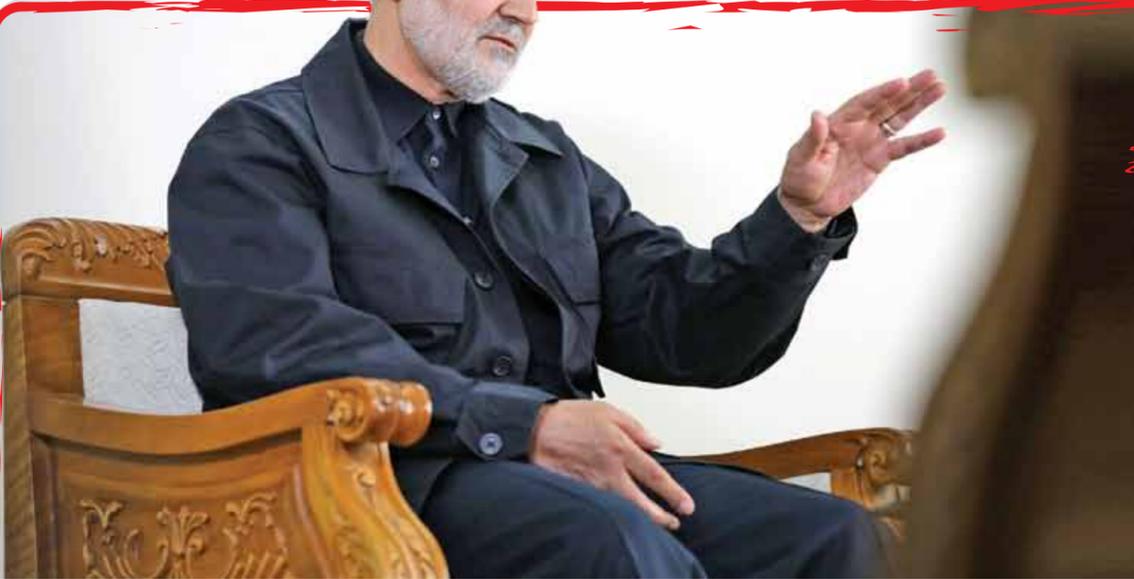




آنچه حائز اهمیت است این است که بعد از شهادت سیدالشهدای مقاومت، تحولات منطقه باز در جهت تضعیف سلطه غرب پیش می‌رود. منتها ما نباید انتظار داشته باشیم مثلا ظرف ۳ سال و حتی ۱۰ سال سلطه غرب در این منطقه پایان یابد. ۲۰ سال آنها در این منطقه سرمایه‌گذاری کردند و پایان سلطه آنها زمانبر است. بنابراین باید یک دوره ۲۰ ساله را در محاسبات بیابوریم



## شهید سلیمانی چگونه با اقدامات خود منطقه غرب آسیا را از توطئه‌های خطرناک آمریکا نجات داد و باعث ایجاد امنیت و ثبات در این کشورها شد

# جان فدای ایران

پس از پایان جنگ تحمیلی، نظام جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر تجاربه که از دفاع مقدس به دست آورده بود با توجه به آموزه‌های دینی خود به این نتیجه رسید باید پیشروی دشمن را بیرون از مرزهای خود متوقف کند و الا باید در داخل خاک خود با دشمن درگیر شود. همین نگرش باعث تشکیل سپاه قدس انقلاب اسلامی ایران شد و فرماندهی آن به دستان باکفایت سردار رشید اسلام حاج‌قاسم سلیمانی سپرده شد. آمریکایی‌ها، صهیونیست‌ها و کشورهای غربی در ابتدا نسبت به سپاه قدس و فرماندهان توجیه خاصی نداشتند و آن را تهدید مهمی برای خود در منطقه نمی‌دیدند ولی به مرور زمان بویژه پس از جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی و حزب‌الله لبنان، معادلات در منطقه برای غربی‌ها تغییر کرد و آنها خود را در مقابل یک حریف جدی به نام سپاه قدس و سردار سلیمانی دیدند. در ۱۵\_۱۰ سال اخیر اثرات و فعالیت‌های سپاه قدس انقلاب اسلامی و فرمانده آسمانی‌اش حاج‌قاسم سلیمانی مورد توجه بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران سیاسی و نظامی در غرب آسیا قرار گرفته است. به منظور بررسی بیشتر این موضوع با دکتر جواد منصور، کارشناس بین‌الملل، نخستین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و معاون اسبق وزارت امور خارجه گفت‌وگو کردیم.

■ آقای دکتر منصور! بسیاری از کارشناسان سیاسی و نظامی بویژه در دهه ۹۰ از تاثیر عمیق سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی در منطقه غرب آسیا سخن می‌گفتند؛ این اثرگذاری چگونه بود و با چه سازوکاری و زمینه‌های اتفاق افتاد؟

قبل از اینکه درباره نقش سردار سلیمانی در منطقه غرب آسیا صحبت کنیم اشاراتی باید کنیم به وضعیت این منطقه در ۳ دهه گذشته و بعد بیستمین با توجه به تحولات ۳ دهه گذشته، نقش سپاه قدس و فرماندهی آن یعنی سردار شهید سلیمانی چه بوده است.

بعد از پایان جنگ تحمیلی ۸ ساله عراق علیه ایران، غرب به این جمع‌بندی رسید باید یک تغییرات گسترده‌ای در وضعیت غرب آسیا به وجود آورد و مانع از این شود جریان انقلاب اسلامی در این منطقه سلطه غرب را به چالش بکشد.

جریان اشغال کویت پیش آمد و به دنبال آن بحث جنگ علیه عراق شکل گرفت و دولت بعثی عراق ساقط شد. تصور غرب این بود با اشغال افغانستان و عراق برای مقابله با ایران و نفوذ ایران در منطقه و حتی تغییر رژیم در ایران زمینه آماده شده، لذا بحث خاورمیانه جدید را در دهه ۷۰ طراحی کردند و از ابتدای دهه ۸۰ اجرای آن با جریان ۱۱ سپتامبر کلید خورد. در این موقعیت مقام معظم رهبری سردار سلیمانی را که در آن زمان فرمانده سپاه منطقه جنوب شرق کشور بود، به فرماندهی سپاه قدس منصوب می‌کنند.

محاسبات و شناخت رهبر حکیم انقلاب نسبت به منطقه و انتظارات ایشان از سپاه قدس، نکته قابل تأملی است. به این ترتیب سپاه قدس در یک شرایط کاملا جدیدی قرار گرفت که در منطقه باید در مقابل اشغالگری و یک‌جانبه‌گری آمریکا بایستد و از سوی دیگر کل تهدیدات علیه جمهوری اسلامی را خنثی کند. بنابراین یک لشکر و ارتش برون‌مرزی شکل می‌گیرد که در ابتدا اسرائیل و متحدان غرب در منطقه و غربی‌ها این موضوع را چندان جدی نگرفتند و تصورشان این بود یک گروه چریکی و شورشی در مقابل ارتش غرب که به منطقه آمده، خواهد بود اما بتدریج قضایا تغییر کرد و به گونه‌ای پیش رفت که ماطی نزدیک ۲ دهه شاهدیم نه تنها طرح خاورمیانه بزرگ شکست خورد و نه تنها ارتش‌های غربی از منطقه شکست خورده خارج شدند، بلکه بسیاری از معادلات منطقه هم

### دکتر سیدرضا صدرالحسینی: امروز نظام سلطه به رهبری

آمریکا به این نتیجه رسیده باید شرایطی را پدید آورد که مرزبندی‌های کشورها را مطابق نظر خود ترسیم کنند تا این کلونی‌های کوچک را به طور مستقیم بتواند اداره کند. در واقع آمریکایی‌ها به دنبال این بودند کشورهای تجزیه شده را مانند یک آکواریم که همه حرکت‌های موجودات زنده در آن آکواریم قابل مشاهده و کنترل است، مدیریت کنند. طبق این نقشه می‌خواهند کشورهای بزرگ به ۴، ۵ و ۶ بخش تقسیم شوند و دهه‌ها کشور جدید مانند امارات و بحرین که کشورهای کوچک و قابل کنترل هستند، ایجاد کنند.

در این نقشه شوم -که هدف آن تجزیه منطقه برای کنترل بیشتر همه منابع مادی و معنوی آن بود- برای آنها قلمرو نمی‌گردد این تجزیه در ایران اتفاق بیفتد یا عربستان بنابراین این تجزیه را از کشور به نام سوریه آغاز کردند و جنگ‌های نیابتی توسط جریان‌های تروریستی مانند داعش را در آنجا مدیریت کردند تا بتوانند ضمن ایجاد وحشت از اسلام ناب و تولید اسلام‌هراسی، کشورهای منطقه را تجزیه کنند. آنها در طرح‌های خود می‌خواستند سوریه و عراق هر کدام به ۳ بخش تقسیم شوند و آنها بتوانند براحتی این کشورها را اداره کنند، لذا تروریسم داعش را تقویت کردند تا به این نقشه شوم خود یعنی نامی و تجزیه کشورهای منطقه جامه عمل بپوشانند، بنابراین اقدامی که سردار حاج‌قاسم سلیمانی و دوستان‌شان انجام دادند، خدمتی به همه مردم غرب

### فکر حمله نظامی به ایران افتادند؟

ببینید در سال‌های اخیر آمریکایی‌ها متوجه شدند با ارتش و نظام خود نمی‌توانند در منطقه کارایی داشته باشند، لذا سعی کردند دست به کارهای خاص دیگری همچون تشکیل داعش بزنند. تشکیل داعش یکی از کارهایی بسیار بزرگی است که غرب در یک قرن گذشته انجام داد و نظیر طرح داعش شاید در چند قرن گذشته سابقه نداشته است. البته قبلاً گروه القاعده و طالبان را تشکیل داده بودند، ولی داعش به مراتب گسترده‌تر، آموزش دیده‌تر، مجهزتر و با امکانات بسیار پیچیده‌تری بود که مأموریتش این بود کل جریان مقاومت اسلامی در منطقه را جمع کند. قضیه داعش یک قضیه بسیار عجیبی است. شاید هنوز خیلی از زوایای این جریان برای مردم ما گفته نشده است؛ یا نیاز ندیدند یا اینکه فکر کردند اگر بگویند مردم ما خیلی بترسند یا دلایل دیگری.

تصورشان این بود تنها و آخرین راه برای تضعیف انقلاب اسلامی طرح داعش است اما سردار سلیمانی با نیروهای سپاه قدس و نیروهای انقلابی در منطقه این جریان و این



طرح را با شکست مواجه می‌کند. اینجاست که غرب به عنوان اینکه ضربه‌ای زده باشد و کاری کرده باشد، طرح به شهادت رساندن شهید سلیمانی را می‌ریزد و اجرا می‌کند. من البته درباره شخصیت شهید سلیمانی خصلت‌ها و نوع عملکرد ایشان وارد جزئیات نمی‌شوم. این را باید کسانی که به هر حال در این زمینه با ایشان همراه بودند و همکار بودند و اطلاعات جزئی‌تر دارند، مطرح کنند اما آنچه اتفاق افتاد این بود که ایشان با ذهن خلاق و تحلیلی و دقیق خود توانست تمام معادلات منطقه را به هم بزند، البته هم از حمایت‌ها و هدایت‌های مقام معظم رهبری برخوردار بود، هم از نیروهای مخلص که در سپاه قدس بودند و هم نیروهای مومن و مخلص که در منطقه از جمله در عراق سوریه لبنان و یمن بودند. اینها مجموعاً یک جریان به وجود آوردند که در رأس این جریان شهید سلیمانی بود. ایشان به دلیل خصلت بسیار متواضعانه براحتی توانست همه نیروها را جمع و همدل و هم‌جهت کند. این مساله بسیار مهمی است که به مطالعه و مشاهده به این رسیدند و کمتر به این نکته درباره عملکرد شهید سلیمانی تأکید شده است.

■ یک سوالی که برای بعضی پس از شهادت حاج‌قاسم ایجاد شد این بود که مگر آمریکایی‌ها نمی‌دانستند یا

شهید کردن سردار سلیمانی، عشق و علاقه مردم ایران و منطقه به این سردار آسمانی بیشتر می‌شود، پس چرا دست به این کار احقمانه زدند؟

اینها تصورشان این بود که با شهادت سردار سلیمانی نیروهای مقاومت در داخل ایران و خارج ایران به هم می‌ریزند و دولت‌ها راه دیگری را پیش می‌گیرند اما نمی‌دانستند شهادت شهید سلیمانی، خطرناک‌تر از حضور سردار در سپاه است. این جمله بسیار جالب و دقیق بود و واقعیت قضیه هم همین است. به این دلیل حتی برخی خودشان هم اعتراف کردند کار اشتباه و خلافی بوده و به امنیت و اعتبار آمریکا و غرب ضربه زد.

نکته دیگر مساله حرکتی است که مردم منطقه بعد از شهادت ایشان داشتند. چه در عراق و چه در لبنان و ایران، مساله عادی نبود و در محاسبات معمول نمی‌گنجد که در عراق و ایران نزدیک ۵۰ میلیون نفر به تشییع سران مقاومت در منطقه بایند. سیاستمداران و گردانندگان رسانه‌ها و مراکز مطالعات پژوهشی دنیا این تصویرها را دقیق تجزیه و تحلیل می‌کنند و اینطور نیست که آنها فقط تلویزیون می‌بینند. آنها وقتی می‌بینند در تهران چند میلیون آدم آمدند، روی این مساله حساب می‌کنند. اخیراً یکی از مقامات اسرائیلی یک جمله‌ای را گفته که بسیار مهم است. وی گفته ما در کتاب‌ها خوانده‌ایم که یکی از رهبران اسلامی با ۳۱۳ نفر

### چگونه سردار سلیمانی نه تنها ایران، بلکه کشورهای منطقه را از خطر تجزیه نجات داد

## نجات غرب آسیا از نقشه شوم آمریکا

با تروریسم در سوریه و عراق را برای مردم خود در حوزه اقتصاد نقد کنیم. بدین معنا که به رغم اعلام آمادگی اگر بخواهیم بدرستی خدمات سرار سلیمانی و دوستان، ایشان را در مبارزه با تروریسم داعشی بررسی کنیم، متوجه می‌شویم جهان مدیون سردار سلیمانی و دوستان ایشان است. حتی اگر بخواهم دقیق تر بگویم باید گفت انسانیت در قرن ۲۱ به این عزیزان مدیون است، به این دلیل که حرکت‌هایی که داعش در متروها، بیمارستان‌ها و خیابان‌های کشورهای اروپایی انجام داد، بسیار وحشتناک و فراموش‌نشده‌ای است. بر این اساس اگر این نقشه شوم نظام سلطه را بپوی می‌مورد بررسی قرار دهیم، امروز پس از ۱۱ سال می‌توانیم متوجه شویم این مقابله با تروریسم چه تأثیراتی در منطقه و نظام بین‌الملل داشته است. امروز به این مساله واقف می‌شویم که اگر شهید سردار سلیمانی در مقابل با تروریسم ورود نمی‌کرد، بخش‌های گسترده‌ای از غرب آسیا به وسیله پرچم‌های تروریستی همچون داعش و دیگر جریان‌های تروریستی تسخیر می‌شد. در حقیقت مراکز کوچک داعش و دیگر تروریست‌ها در منطقه گسترش می‌یافت و قطعاً این موضوع برای جهان غرب و آسیای شرقی نیز مشکلات فراوانی ایجاد می‌کرد. بر این اساس امروز می‌توانیم به ضرس قاطع بگویم تلاش‌های این مرد بزرگ و دوست‌داشتنی و این ابرفرمانده مقاومت چه تأثیر شگفتی در ژئوپلیتیک منطقه و جهان داشته است اما متأسفانه در طول سال‌های گذشته ما نتوانستیم دستاوردهای مقابله



می‌آید و مدیریت دنیا را به دست می‌گیرد. ما معنای این حرف را نمی‌فهمیدیم ولی بعد از دیدن سردار سلیمانی به این نتیجه رسیدیم که اگر آن رهبر ۱۰۰ نفر مثل سردار سلیمانی داشته باشد، می‌تواند دنیا را اداره کند. برای اینکه این یک نفر به تنهایی تمام معادلات منطقه را به هم زد، تمام طرح‌های ما را با شکست مواجه کرد.

یک ضرب‌المثلی است که در عربی مطرح است که الفضل ما شهد اعداء؛ فضیلت حقیقی آن است که حتی دشمن هم مجبور شود بگوید. وقتی اسرائیلی‌ها درباره سردار سلیمانی چنین صحبتی می‌کنند معلوم می‌شود که ابعاد بسیار مهمی دارد.

شکست طرح داعش تقریباً تمام محافل نظامی و امنیتی دنیا را متحیر کرد. این طرح در بسیاری از جاها یا قابل اجرا نبود و اگر هم اجرا شده بود، موفق نبوده است.

■ پیش‌بینی شما از تقابل جریان مقاومت اسلامی و جریان غرب در منطقه پس از شهادت سردار سلیمانی چیست؟ به هر حال جریان مقاومت فرمانده بزرگ خود را از دست داد؛ آیا این مساله می‌تواند به تضعیف جریان مقاومت در منطقه بینجامد؟

آنچه حائز اهمیت است این است که بعد از شهادت سیدالشهدای مقاومت، تحولات منطقه باز در جهت تضعیف سلطه غرب پیش می‌رود. منتها ما نباید انتظار داشته باشیم مثلا ظرف ۳ سال و حتی ۱۰ سال سلطه غرب در این منطقه پایان یابد. ۲۰ سال آنها در این منطقه سرمایه‌گذاری کردند و پایان سلطه آنها زمانبر است. بنابراین باید یک دوره ۲۰ ساله را در محاسبات بیابوریم. شاید به همین علت هم هست که شما ملاحظه می‌کنید قضایایی که در ۳ ماه گذشته در ایران اتفاق افتاد، در واقع به نوعی آن کینه و عصبانیت و دشمنی فوق‌العاده غرب را نشان داد ولی اینجا هم مردم هم نیروهای مسلح و هم مسؤولان مربوطه این قضیه را به رغم طراحی ۳ ساله‌ای که پشتش بود، با شکست مواجه کردند. باید بگوییم هنوز هم اسم و راه سردار سلیمانی به عنوان اسوه مقاومت، دشمنان را نگران می‌کند.

سردار شهید سلیمانی با تلاش‌های خستگی‌ناپذیرش در منطقه برانگیزی امنیت و ثبات را برای این مرز و بوم به ارمغان آورد. برای مثال در عراق آمریکایی‌ها در نهایت مجبور شدند دولت را به دست عراقی‌ها بسپارند و خودشان هم بتدریج از عراق خارج شوند. اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که بدانیم هدف آمریکایی‌ها این بود که عراق و افغانستان ۲ پایگاه آنها شود تا در موعد مقرر نیروهای خود را ناگهان از منطقه به داخل ایران منتقل کنند و ایران اسلامی را به اشغال خودشان درآورند. حرکت چند سال گذشته سپاه قدس و سردار سلیمانی در منطقه، کل این طرح را با شکست مواجه کرد، به اضافه اینکه در فلسطین و یمن و لبنان هم حرکت ضدسلطه ضعیف‌تر از گذشته شد.

این نکته باید مورد اشاره قرار گیرد که هر گاه صحبت از کمک و همیاری به مردم سوریه می‌شود، نباید تصور کرد که کمک‌ها بلاعوض خواهد بود، اصلاً این مساله نیست، نه مردم سوریه و نه نظام سیاسی سوریه با مناعت طبیعی که دارند، به هیچ عنوان چنین توقعی ندارند، بلکه این اقدام است سرمایه‌گذاری بزرگ است که در تمام دنیا مرسوم است. سرمایه‌گذار در ابتدا سرمایه‌گذاری خود را چه به شکل فاینانس و چه به صورت قراردادهای میان‌مدت و درازمدت انجام می‌دهد و در موقعیت‌های بعدی، پس از انجام سرمایه‌گذاری اولیه، هزینه‌ها بازمی‌گردد و سود خود را نیز کسب خواهد کرد. بنابراین زمانی که صحبت از همیاری مردم سوریه می‌شود، به هیچ عنوان منظور کمک بلاعوض نیست و سرزمین سوریه نیز در این ارتباط توانمندی‌های بسیار زیادی در حوزه معادن، کشاورزی، بنادر و... دارد. مردم سوریه نیز مردم کوشایی هستند. با گام‌هایی که در دولت سیزدهم برداشته شده، در یک فاصله زمانی قابل قبول، امکان جبران عقب‌ماندگی سال‌های گذشته وجود خواهد داشت.

یکی از کشورهای مؤثر در اتحادیه عرب از سال‌های گذشته تاکنون سوریه بوده و هست. اقدامات کشورهای عربی در یکی - دو سال گذشته در قبال سوریه نشان از اذعان آنها به اشتباه خود در رابطه با سوریه دارد اما این اقدامات را باید در سال‌های قبل انجام می‌دادند تا جبرانی باشد برای حرکت نازیبیا و غیرحقوقی خود یعنی اخراج کشور سوریه از اتحادیه عرب.

بنابراین صدلی سوریه در اتحادیه عرب باید چند سانتیمتر بالاتر از دیگر کشورهای عضو اتحادیه باشد، چرا که مقاومت و شجاعتی که مردم و دولت سوریه از خود نشان دادند، کم‌نظیر بود. حتماً کشور سوریه باید به پاس زحماتی که در مقابله با تروریسم و حفظ غرب آسیا از خطر تجزیه کشیده است، چند دوره به عنوان رئیس این اتحادیه معرفی شود. نکته بعدی اینکه جمهوری اسلامی به هیچ عنوان علاقه‌مند نیست کشوری مثل جمهوری عربی سوریه از اتحادیه عرب دور باشد. خاستگاه سوریه این اتحادیه است و جمهوری اسلامی از عضویت و تأثیرگذاری سوریه در این اتحادیه منتظر کمک بلاعوض سوریه با جمهوری اسلامی یک روابط بسیار گسترده است و بعد از حمایت جمهوری اسلامی از سوریه در مقابل تروریسم، این روابط به یک روابط راهبردی و استراتژیک تبدیل شده است. ۲ ملت ایران و سوریه برای مقابله با تروریسم و جلوگیری از تجزیه خاورمیانه مجاهدت کردند و قطعاً سوریه کشوری نیست که با عضویت مجدد در اتحادیه عرب از جمهوری اسلامی دور شود، بلکه می‌تواند زمینه‌ای برای ارتباط جمهوری اسلامی با کشورهای مختلف عربی هم ایجاد کند. در حقیقت سوریه می‌تواند فضای ایجاد شده علیه ایران و ایران‌هراسی را کاملاً از بین ببرد و واقعیت جمهوری اسلامی ایران را به کشورهای عربی بشناساند.